

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره یازدهم، شماره های اول و دوم، پاییز ۱۳۷۴ و بهار ۱۳۷۵

نقش زنان در اقتصاد روستایی ایران

دکتر عبدالعلی لهسایی زاده

دانشگاه شیراز



خلاصه

هدف کلی مقاله حاضر بررسی اهمیت نقش زنان در اقتصاد روستایی است. به همین منظور موقعیت و اهمیت آنان در سه بخش کشاورزی، صنایع روستایی و خدمات مورد واکاوی قرار گرفته است. زنان روستایی سهم بالایی در نیروی کار مملکت دارند و در روستاها در بسیاری قسمتها سهم بیشتری از مردان روستایی دارند. در بخش کشاورزی در تقسیم کار بر اساس جنس و نوع محصولات، زنان روستایی نقش تعیین کننده دارند. در بخش صنایع روستایی تقریباً، انحصار تولید کارهای با ارزش با زنان روستایی است. بالاخره در بخش خدمات، گرچه بسیاری از کارهای خدماتی زنان روستایی به حساب نمی آید، اما در عمل ادامه زندگی روستایی بدون کارهای خدماتی زنان غیر ممکن است. در پایان، پیشنهاد شده است به زنان روستایی آموزش های نظاممند در زمینه های سه گانه بالا داده شود.

۱. مقدمه

رشته های تخصصی نزدیک به آنچه که امروز ما «جامعه شناسی زنان روستایی» می نامیم (مانند جامعه شناسی روستایی، اقتصاد کشاورزی، ترویج و «جامعه شناسی کشاورزی»^۱) نسبت به زندگی زنان روستایی تا حدی بی اعتنا بوده اند. مطالعه وضعیت زنان روستایی در واقع شاخه ای تخصصی را در جامعه شناسی طلب می کند، زیرا نقش زنان روستایی در جوامع معاصر بخصوص در کشورهای پیرامونی از اهمیت بالایی برخوردار است. در ایران می توان ادعا کرد که محققین هنوز یک پژوهش جامع و مانع در مورد زنان روستایی عرضه نکرده اند. مطالعاتی که تاکنون در باره زنان روستایی ایران انجام گرفته، هر یک تنها به جنبه های خاصی از زندگی زنان روستایی پرداخته اند.

عده ای از محققین اشتغال زنان روستایی، آن هم جنبه های خاصی را بررسی کرده اند. مثلاً مشهور^۲ به بررسی اثرات اشتغال زن بر خانواده های روستایی اطراف تهران پرداخته؛ رجیبی^۳ رابطه بین تحولات صنعتی و اشتغال زنان روستایی ایران را بررسی کرده است؛ بنی هاشم^۴ تنها جلوه هایی از کار و تلاش زنان روستایی ایران را به تصویر کشیده است. به همین سیاق، تعدادی از پژوهشگران، مسئله آموزش زنان روستایی را مهم دانسته و به شناخت وضعیت موجود و ارائه طریق پرداخته اند. در همین راستا، «دفتر توسعه فعالیت های زنان روستایی»^۵ به بررسی آموزش زنان روستایی به عنوان عامل انتقال نوآوری به روستا پرداخته و شهبازی^۶ زنان روستایی را در قالب توسعه و ترویج روستایی مورد تحقیق قرار داده است. بنی هاشم^۷ می گوید زنان روستایی آماده پذیرش هرگونه آموزشی می باشند. بالاخره باید پژوهش هایی را یادآور شد که بر نقش زنان در توسعه روستایی تمرکز یافته اند. برای نمونه، گروهی از محققان، توسعه زندگی در روستا و نیازهای زنان روستایی را مورد توجه قرار داده اند: نجابتیان^۸ خانه داری را زمینه ساز توسعه روستایی می داند و «مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه»^۹ طرحی راجع به موانع شرکت زنان در فرآیند توسعه پیشنهاد کرده است.

تصور متعارف در مورد نقش زنان روستایی در جامعه روستایی، عمدتاً نقش خانه داری و تولید مثل می باشد، در حالیکه بررسی های عینی نشان می دهد که زنان در زندگی روستایی

اگر نقشی مهمتر از مردان نداشته باشند، کمتر از آنان هم نیستند. در واقع زنان در تولید و «بازتولید»^{۱۰} اقتصادی - اجتماعی نقش کلیدی را در روستاها بازی می کنند. جامعه روستایی ایستا نیست و دائم در حال تغییر و تحول می باشد. این تحول بر نقش زنان اثر می گذارد. لذا با فرآیند تغییرات، باید تغییرات کمی و کیفی نقش زنان روستایی مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه تذکر دو نکته لازم است: نخست اینکه نقش زن در روستا متغیر است، دوم آنکه در همه جای ایران نقش زن روستایی به یک اندازه نیست.

در ایران، عمده فعالیت زنان روستایی در سه بخش کشاورزی، صنایع روستایی، و خدمات روستایی تمرکز یافته است. اما جنبه دیگر اهمیت فعالیت زنان روستایی، نقش سه گانه آنان در تولید مثل، بازتولید نیروی کار، و تولید و مدیریت محل زندگی خود است. روشن است که زنان روستایی ما، در بخش کشاورزی، صنایع روستایی و خدمات از تولید کنندگان اصلی هستند، اما متأسفانه در آمارها، بررسی های وضعیت موجود، و برنامه ریزی ها برای آینده، به آنها توجه کافی نشده است.

هدف کلی مقاله حاضر، بررسی میزان اهمیت نقش زنان در اقتصاد روستایی است. اهداف جزئی تر آن، تعیین موقعیت زنان روستایی در تولید کشاورزی، سهم آنان در بخش صنایع روستایی، و میزان مشارکت آنان در ارائه خدمات است. برای این منظور، ابتدا به بررسی کلی موقعیت زنان در اشتغال روستایی می پردازیم تا از این رهگذر توزیع کمی و کیفی زنان روستایی در بخش های سه گانه اقتصاد روستایی مشخص گردد. به طور خلاصه، مقاله حاضر به دنبال شناخت زمینه های فعالیت زنان روستایی در ایران است تا بدین وسیله موانع رشد آنان را مشخص کند و در همین راستا توانائی های توسعه فعالیت های زنان روستایی نمایان گردد.

در مقاله حاضر، از شیوه پژوهشی سندکاوی استفاده شده است. ضمناً آمارهای دست دوم از تحقیقات توصیفی موجود به دست آمده و در چارچوب بحث نظری مقاله، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۲. زنان و اشتغال روستایی

بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۷۰، تعداد جمعیت زنان روستایی کشور ۱۱۴۹۱۶۹۳ نفر در مقابل ۱۲۱۴۴۸۹۸ نفر مرد روستایی می باشد. ^{۱۱} نسبت جنسی نقاط روستایی ۱۰۴ است که کمتر از نسبت جنسی شهرها یعنی ۱۰۵ می باشد. این جمعیت در گروه های سنی چهارده گانه به ترتیبی که در جدول شماره ۱ آمده، پراکنده می باشد.

همچنان که از جدول شماره ۱ بر می آید، بالاترین درصد جمعیت زنان در گروه سنی ۵-۹ سال ۱۶/۸ درصد و کمترین آن در گروه سنی ۶۴-۶۰ سال ۲/۴ درصد، قرار دارد. با توجه به تعداد زنان در گروه سنی زیر ۲۰ سال و تعداد زنان در گروه های سنی بالای ۵۰ سال، چنین به نظر می آید که زنان روستایی در ایران جمعیت جوانی را تشکیل می دهند. زنان روستایی ایران کلاً ۲۳ درصد از جمعیت کل کشور و ۴۹ درصد از کل جمعیت زنان کشور را تشکیل می دهند.

زنان روستایی در سه نظام بازتولیدی یعنی بازتولید زیست شناختی، بازتولید نیروی کار، و بازتولید اجتماعی به طور اساسی مشارکت دارند. ^{۱۲} بازتولید زیست شناختی یعنی بارداری و تولید مثل در حقیقت تکثیر نیروی کار است که باعث می شود به زنان در روستاها به عنوان موجودی با ارزش بنگریم. به علت خصلت کاربر بودن اکثر نظام های بهره برداری (چه در زمینه کشاورزی و چه در سایر زمینه ها) یکی از نقش های اساسی و فرهنگی زنان در روستاها بازتولید زیست شناختی نیروی کار است. ازدواج زنان روستایی در سنین پایین مبین این ادعا می تواند باشد.

زنان روستایی با نگهداری از فرزندان، تهیه غذا، تمیز کردن منزل، تیمارداری از مریضان و مسن ها و غیره، در واقع به بازتولید نیروی کار می پردازند. در حقیقت این زنان روستایی هستند که با تلاش های بی وقفه خود محیط زندگی را جهت ادامه حیات نیروی کار تنظیم می نمایند.

در نهایت باید خاطر نشان ساخت که زنان با مشارکت در تولید، در بازتولید اجتماعی سهم مهمی دارند. تفکیک فرآیند تولیدی و بازتولیدی زنان روستایی تا حدودی مشکل است.

جدول ۱

جمعیت روستایی بر حسب گروه های سنی به تفکیک جنس،
مهر ماه ۱۳۷۰*

ردیف	گروه سنی	تعداد مرد	درصد مرد	تعداد زن	درصد زن
۱	۰-۴	۱۹۲۶۰۵۷	۱۵/۸	۱۸۳۹۷۴۵	۱۶
۲	۵-۹	۲۰۰۹۱۰۴	۱۶/۵	۱۹۲۵۵۹۰	۱۶/۸
۳	۱۰-۱۴	۱۷۴۹۶۶۱	۱۴/۴	۱۶۲۹۴۶۸	۱۴
۴	۱۵-۱۹	۱۴۱۰۳۳۰	۱۱/۶	۱۳۰۰۹۰۸	۱۱/۴
۵	۲۰-۲۴	۱۰۵۳۸۵۱	۸/۶	۹۶۲۳۰۰	۸/۴
۶	۲۵-۲۹	۷۱۴۳۳۳	۵/۸	۷۱۱۲۰۲	۶
۷	۳۰-۳۴	۶۰۸۵۵۴	۵	۶۱۶۳۵۸	۵/۴
۸	۳۵-۳۹	۴۸۶۱۷۵	۴	۵۱۹۴۰۰	۴/۵
۹	۴۰-۴۴	۳۸۳۵۳۳	۳/۳	۴۰۲۷۳۱	۳/۵
۱۰	۴۵-۴۹	۲۹۱۰۸۱	۲/۳	۳۲۰۳۷۰	۲/۸
۱۱	۵۰-۵۴	۳۳۷۴۷۹	۲/۷	۳۲۹۶۱۷	۲/۹
۱۲	۵۵-۵۹	۳۵۱۸۳۲	۳/۱	۲۹۲۱۳۰	۲/۶
۱۳	۶۰-۶۴	۳۴۵۹۶۱	۲/۸	۲۷۱۵۹۶	۲/۴
۱۴	۶۵ و بیشتر	۴۹۵۷۴۲	۴	۳۶۱۷۰۵	۳/۲
	نامشخص	۱۰۹۰۵	۰/۱	۸۵۷۳	۰/۱
	جمع کل	۱۲۰۱۴۴۰۸۹۸	۱۰۰	۱۱۴۹۱۶۹۳	۱۰۰
	میانگین سنی	۲۱/۷۲	—	۲۱/۲۹	—

* منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۰، تهران: مرکز آمار ایران ۱۳۷۱، صص

جریان تولید اجتماعی شامل تعدادی وظایف تولیدی است که با ساختار خانه گره خورده است. مراقبت از حیوانات اهلی، کار کشاورزی، تولید محصولات صنعتی، ارائه خدمات مختلف همچون آب آوردن و تهیه هیزم، همه و همه از عوامل اصلی بازتولید اجتماعی می باشند که عمدتاً بر دوش زنان روستایی است که این خود ارزش باز تولیدی زنان روستایی را دوچندان می نماید. در واقع بازتولید اجتماعی توسط زنان، یعنی دائمی بودن روابط تولیدی اصلی در جامعه روستایی.

سهم و نقش زن روستایی در اشتغال، در نتایج سرشماری های نفوس و مسکن به طور واتسی نشان داده نشده است. شاید دلیل آن تعریفی باشد که از اشتغال ارائه شده است. مثلاً در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، شاغلان ده ساله و بیشتر نقاط روستایی را، در بخش کشاورزی حدود ۲/۸ میلیون نفر اعلام کرده که از آن ۲/۶ میلیون نفر مرد و تنها ۲۴۳ هزار نفر زن می باشند. این نتیجه گیری درست نیست زیرا در کشوری همچون ایران زنان روستایی تا ۵۰ درصد شاغلان بخش کشاورزی را هم تشکیل می دهند.^{۱۳}

بنابر تعریف «سازمان کار جهانی»، شاغل کسی است که یا در حال کارکردن است و یا اینکه شغلی داشته و موقتاً بیکار است. همچنین تمام کارکنان خانوادگی بی مزد جزو اشخاص شاغل به حساب می آیند.^{۱۴} اگر چنین تعریفی را بپذیریم، و با توجه به اینکه در روستاها دختر بچه ها معمولاً از سن شش سالگی در فرآیندهای تولیدی مختلف مشارکت دارند، و با عنایت به این نکته که وظیفه خانه داری فی نفسه در باز تولید نیروی انسانی تعیین کننده است، بنابراین تمام زنان روستایی در سن کار، باید شاغل محسوب شوند. متأسفانه آمارگیری ها چون بر مبنای تعاریف جامع و مانع نیست، لذا نقش واقعی زن روستایی در اشتغال را نشان نمی دهند. اکثر زنان روستایی در ایران، به عوض اینکه بیکار باشند، در واقع بیش از حد معمول کار می کنند. تنها چیزی که آنها احتیاج دارند اینست که وظایف سنگین روزمره آنها مورد شناسایی قرار گیرد و از لحاظ محاسبه نیروی کار به رسمیت شناخته شوند. جدول شماره ۲ آمار رسمی کشور را برای جمعیت زنان روستایی فعال، شاغلان و بیکاران شش ساله و بیشتر بر حسب گروه های سنی در سال ۱۳۶۵ نشان می دهد. در این جدول، زنان خانه دار روستایی همچون

جدول ۲

جمعیت فعال، شاغلان و بیکاران ۶ ساله و بیشتر زنان روستایی
بر حسب گروه های سنی، ۱۳۶۵*

بیکارجویای کار		شاغلین		جمعیت فعال	گروه های سنی
درصد	تعداد	میزان اشتغال (درصد)	تعداد		
۰	۰	۱۰۰	۲۶۰۰۰	۲۶۰۰۰	۶-۹
۴۸	۳۶۰۰۰	۵۲	۳۹۰۰۰	۷۵۰۰۰	۱۰-۱۱
۳۸/۱	۹۹۰۰۰	۶۱/۹	۱۵۹۰۰۰	۲۵۸۰۰۰	۱۲-۱۴
۲۷/۵	۲۳۶۰۰۰	۷۲/۵	۶۲۳۰۰۰	۸۵۹۰۰۰	۱۵-۱۹
۱۶/۲	۱۳۹۰۰۰	۸۳/۸	۷۲۳۰۰۰	۸۶۲۰۰۰	۲۰-۲۴
۹/۱	۶۵۰۰۰	۹۰/۹	۶۴۹۰۰۰	۷۱۴۰۰۰	۲۵-۲۹
۶/۱	۳۴۰۰۰	۹۳/۹	۵۲۳۰۰۰	۵۵۷۰۰۰	۳۰-۳۴
۵/۲	۲۱۰۰۰	۹۴/۸	۳۸۳۰۰۰	۴۰۴۰۰۰	۳۵-۳۹
۴/۴	۱۵۰۰۰	۹۵/۶	۳۲۵۰۰۰	۳۴۰۰۰۰	۴۰-۴۴
۴/۴	۱۶۰۰۰	۹۵/۶	۳۴۹۰۰۰	۳۶۵۰۰۰	۴۵-۴۹
۴/۴	۱۸۰۰۰	۹۵/۶	۳۸۸۰۰۰	۴۰۶۰۰۰	۵۰-۵۴
۵/۳	۱۸۰۰۰	۹۴/۷	۳۲۱۰۰۰	۳۳۹۰۰۰	۵۵-۵۹
۵/۸	۱۷۰۰۰	۹۴/۲	۲۷۸۰۰۰	۲۹۵۰۰۰	۶۰-۶۴
۱۰	۲۶۰۰۰	۹۰	۲۲۵۰۰۰	۲۵۱۰۰۰	۶۵<۰
۱۹/۴	۱۰۰۰	۸۰/۶	۲۰۰۰	۳۰۰۰	نامشخص
۱۲/۹	۷۴۱۰۰۰	۸۷/۱	۵۰۱۳۰۰۰	۵,۷۵۴,۰۰۰	جمع کل

* منبع: مرکز آمار ایران، ایران در آیینة آمار ۱۳۶۹، شماره ۱۰، تهران: مرکز آمار ایران،

ص ۶۸، ۱۳۷۱.

زنان خانه دار شهری جزو جمعیت غیر فعال طبقه بندی شده اند.

جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر غیر فعال زنان روستایی بر اساس آمارگیری رسمی سال ۱۳۶۵ برابر ۶۵۲۵۰۰۰ نفر اعلام شده که ۷۵ درصد جمعیت غیر فعال روستایی به حساب آمده است. محصلان، خانه داران، افراد با درآمد بدون کار جمعیت غیر فعال به حساب آمده اند. در این آمار، ۸۳۸۰۰ نفر محصل، ۵۰۵۶۰۰ نفر خانه دار و ۶۱۰۰۰ نفر دارای درآمد بدون کار قلمداد شده اند. اگر زنان خانه دار روستایی را شاغل محسوب نکنیم، زنان روستایی تنها ۱۰ درصد جمعیت فعال و ۹ درصد جمعیت شاغل روستایی را تشکیل می دهند. ۱۵ به دیگر سخن، زنان روستایی درصد بسیار بالایی از جمعیت غیر فعال (۷۵ درصد) را تشکیل می دهند. به نظر می رسد چنین محاسبه ای صحیح نباشد زیرا در جامعه روستایی ایران، خانه داری شامل کارهایی است که در نفس عمل، فعالیت اقتصادی به حساب می آید. با احتساب زنان خانه دار روستایی در جمعیت شاغل، در واقع از هر یکصد زن روستایی، ۹۴/۷ درصد شاغل خواهند بود. این آمار گویای این حقیقت است که در ایران زنان روستایی بالاترین سهم اشتغال را دارند.

اگر آمارگیری رسمی مملکت را دوباره مینا قرار دهیم، توزیع زنان روستایی شاغل در سه بخش عمده فعالیت اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) در مقایسه با مردان روستایی، مردان و زنان نقاط شهری، و در مجموع در کل کشور به گونه ای خواهد بود که در جدول شماره ۳ آمده است. بر اساس آمار موجود در جدول شماره ۳، زنان روستایی در بخش کشاورزی، ۷/۶ درصد از کل نیروی کار کشاورزی مملکت و ۸/۷ درصد از نیروی کار کشاورزی مناطق روستایی را تشکیل می دهند. زنان در بخش صنایع روستایی، ۵/۶ درصد از کل نیروی کار بخش صنعت در ایران و ۱۵/۳ درصد از نیروی کار بخش صنایع روستایی را تشکیل می دهند. و بالاخره زنان روستایی در بخش خدمات ۰/۸۵ درصد از کل نیروی کار در بخش خدمات مملکت و ۳/۸ درصد از نیروی کار بخش خدمات روستایی را شامل می شوند. در مجموع ۵۴ درصد زنان روستایی در بخش کشاورزی، ۳۴/۵ درصد در بخش صنعت و ۹ درصد در بخش خدمات مشغول به کار می باشند. در اینجا باید دوباره خاطر نشان ساخت که

جدول ۳

شاغلان ۶ ساله و بیشتر بر حسب گروه‌های عمده فعالیت، جنس، نقاط شهری و روستایی، ۱۳۶۵ (هزار نفر)*

گروه‌های عمده فعالیت	نقاط شهری			نقاط روستایی			کل کشور			
	مرد	زن	مرد	مرد	زن	مرد	زن	مرد	مرد و زن	
									درصد	تعداد
کشاورزی	۱۳	۳۰۰	۲۶۳	۲۵۹۴	۲۴۷	۵۴	۷/۶	۲۹۴۶	۲۹/۱	۳۲۰۹
صنعت	۷۱	۱۶۹۵	۲۲۸	۸۶۶	۱۵۷	۳۴/۵	۵/۶	۲۵۶۶	۲۵/۲	۲۷۹۰
خدمات	۴۰۸	۳۲۲۷	۴۴۸	۹۹۴	۴۰	۹	۰/۸۵	۴۲۲۴	۴۲/۴	۴۶۷۲
طبقه بندی نشده	۳۶	۲۱۲	۴۸	۱۰۴	۱۲	۲/۵	۳/۶	۳۱۷	۳/۳	۳۶۴
جمع کل	۵۲۷	۵۴۳۳	۹۸۷	۴۵۵۸	۴۵۵	۱۰۰	-	۱۰۰۴۹	۱۰۰	۱۱۰۳۶

*منبع: مرکز آمار ایران. ایران در آینه آمار ۱۳۶۹، شماره ۱۰، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱، ص ۷۳

** محاسبه شده بر اساس آمار ستون‌های یک، ۷ و ۸ جدول

در این آمار زنان خانه دار بخش خدمات به حساب نیامده اند در حالیکه با احتساب آنها سهم زنان در بخش خدمات (هم در مملکت و هم در روستاها) بسیار بیش از این ارقام خواهد بود. اشتغال زنان روستایی را می توان در قالب طبقات اجتماعی نیز قرار داد. بر اساس آمارگیری رسمی ۱۳۶۵، زنان روستایی در ۴ پایگاه مختلف اجتماعی تقسیم بندی شده اند: ۱) کارفرمایان ۸۰۰۰ نفر (۱/۸ درصد)، ۲) کارکنان مستقل ۱۳۱۰۰۰ نفر (۲۸/۸ درصد)، ۳) مزدبگیران ۹۷۰۰۰ نفر (۲۱/۳ درصد)، و ۴) کارکنان خانوادگی بدون مزد ۱۹۹۰۰۰ نفر (۴۳/۷ درصد). ۱۶ با توجه به آمار و ارقام عرضه شده، ملاحظه می شود که اولاً سهم زنان در طبقه خود- اشتغالی نسبت به پایگاه کارگری و کارفرمایی بیشتر است. ثانیاً درصد بالایی از زنان روستایی در مقوله کارکنان خانوادگی بدون مزد قرار گرفته اند که این رقم خود گویای وجود یک مشکل اساسی در تعریف و تشخیص هویت کارکنان خانوادگی بدون مزد می باشد.

۳- نقش زنان روستایی در تولید کشاورزی

از آنجا که زنان سهم قابل توجهی در نیروی کار کشاورزی دارند، برای کشوری مانند ایران که در صدد بهبود اقتصاد روستایی و حمایت از تولید فرآورده های غذایی است، شناخت نقش زنان در کشاورزی بسیار حائز اهمیت است. زنان در بخش کشاورزی گرچه در بسیاری از موارد حتی نقش سنگین تری از مردان دارند، اما غالباً از موقعیت و منزلت پایین تری برخوردارند و ارزش واقعی نیروی کار آنها به درستی شناخته نشده است. آنان در واقع نیروی کار نامرئی در اقتصاد کشاورزی هستند. نیروی کار زنان تا ۴۰ درصد نیروی کار کشاورزی برآورد شده است. ۱۷

نقش زنان روستایی در تولید کشاورزی مشخص است و کلاً تقسیم کار بر اساس جنس بین زنان و مردان صورت گرفته است، اما این امر یک قاعده کلی نیست. زنان در بخش کشاورزی در هر سه مرحله کاشت، داشت و برداشت دخالت دارند. در مرحله داشت مشاهده شده که زنان در بذر پاشی و نشاکاری مشارکت می کنند. در داشت نقش زنان بسیار با اهمیت

است به طوری که در آبیاری پا به پای مردان کار می کنند، در وجین کاری و حرث کردن گیاهان از نیروهای اصلی به حساب می آیند. بالاخره در مرحله برداشت نیز نقش زنان بسیار تعیین کننده تلقی شده است. ۱۸

فعالیت کشاورزی زنان در روستاهای ایران در سه مقطع توسعه روستایی تحت تأثیر عوامل توسعه ای بوده است. قبل از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱، طبق قوانین عرفی موجود در ایران، زنان از دسترسی به زمین های زراعی دور نگهداشته می شدند. بر طبق سنت رایج، اگر کشاورز در نظام مزارعه به کشت و زرع مشغول بود و در عین حال مقدار نسق زراعی او زیاد بود، زارع مجبور بود که از نیروی کار خانواده و از آن جمله نیروی کار زن خانوار استفاده کند. اگر مقدار نسق زراعی کم بود، زن خانوار در بعضی موارد مجبور به کار در مزارع سایرین به صورت مزدی بود. در بعضی موارد نیز زنان مجبور به کار در سایر بخشها می شدند. قبل از اصلاحات ارضی به علت سنتی بودن ابزار و وسایل تولیدی، در محصولات کار بر نقش زنان عمدتاً مربوط به مراحل داشت و برداشت بود. ۱۹

اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ روابط سنتی ماقبل سرمایه داری را در هم شکست و راه را برای نوسازی کشاورزی و ایجاد روابط سرمایه داری در بخش کشاورزی تسطیح کرد. گرچه اصلاحات ارضی زمینی به زنان واگذار نمود و در عین حال بخش عظیمی از نیروی کار کشاورزی را از دریافت وسیله تولیدی که بر روی آن کار می کردند، محروم ساخت، اما در هر حال بر نقش زنان در کار کشاورزی تأثیر گذاشت. رابطه زمین داری ارباب - رعیتی تقریباً شکسته شد و دو رابطه عمده تولید دهقانی مستقل و نظام های بهره برداری سرمایه داری ایجاد شد. در تولید دهقانی، آنجا که زمین مناسب بود، زن کشاورز مجبور بود با سایر اعضای خانوار بر روی قطعه زمین خانوادگی کار کند. در زمین های دهقانی خرد، زنان در خارج از مزرعه خانوادگی مشغول به کار شدند. در نظام های بهره برداری سرمایه داری، از کار زنان (عمدتاً زنان کارگران کشاورزی) به عنوان نیروی کار ارزان در مزارع استفاده می شد. به طور کلی اصلاحات ارضی باعث شد تا از نیروی کار زنان به صورت حاشیه ای استفاده شود. ۲۰

پس از انقلاب اسلامی با وجود تغییر اندک در نظام های بهره برداری، فرآیندهای توسعه کشاورزی بر نقش زنان تأثیر گذاشته است. در کشت محصولات کاربر (مانند برنج و توتون) همچنان نقش تولیدی زنان به قوت خود باقی است و حتی در مزارعی که به صورت تجاری در آمده اند و محصولات نقدی تولید می کنند، از زنان روستایی به عنوان منبع نیروی کار ارزان (به صورت کارگران کشاورزی) استفاده بیشتر می شود. اما در کشت محصولات سرمایه بر (مانند گندم) با به کارگیری ماشین آلات کشاورزی، در نظام های بهره برداری سرمایه داری از به کارگیری نیروی کار زنان کاسته شده است.^{۲۱}

در حال حاضر به علت رواج نظام بهره برداری دهقانی مستقل، از نیروی کار زنان در مزارع خانوادگی به عنوان کارگران بی مزد استفاده می شود. این امر خود باعث شده است تا ارزش واقعی مشارکت زنان در تولید مازاد اقتصادی خانوارهای دهقانی نمایان نباشد. در اصل، امروزه در کشاورزی خرد، کار زنان ضروری است. زنان از عناصر اصلی جلوگیری سقوط خانوارهای دهقانی به پایگاه کارگری محسوب می شوند. در واحدهای دهقانی مستقل، رابطه ای به شرح زیر بین میزان وسعت زمین و مشارکت زنان در عملیات کشاورزی وجود دارد. در واحدهای بزرگ، زنان بیشتر در کارهای خانگی مشارکت می کنند. در واحدهای متوسط زنان به صورت کارکنان کشاورزی خانوادگی بی مزد انجام وظیفه می نمایند. و بالاخره در واحدهای خرد، زنان مجبور به کار در مزارع دیگران به صورت کارگر مزدی هستند. پس نقش اقتصادی زنان خانوارهای دهقانی سطوح متوسط و پایین، چشمگیرتر از خانوارهای دهقانی سطح بالاست.^{۲۲}

کار زنان در بخش کشاورزی در واقع استثمار مضاعف این قشر زحمتکش است زیرا به هیچ وجه از وظایف خانگی آنها نمی کاهد. در نتیجه در مقایسه با زنان صرفاً خانه دار، زحمت بیشتری را تحمل می کنند. از این رو باید برای زنان روستایی که در فعالیت های کشاورزی مشارکت دارند و از لحاظ اقتصادی در تولید مازاد اقتصادی سهم هستند، اهمیت بیشتری قائل شد. اینان نه تنها در بازتولید نیروی کار سهم هستند، بلکه در بازسازی اقتصاد خانواده نقش مهمی را ایفا می کنند.

۴- جایگاه زنان در صنایع روستایی

سهم زنان روستایی در بخش صنایع روستایی، کمتر از بخش کشاورزی نیست. زنان روستایی ایران از قدیم الایام سهم عمده ای در تولید محصولات صنعتی روستایی داشته اند. اینان صنعت خود را با هنر توأم نموده اند و در همین زمینه در طول تاریخ هنر ایران، شاهکارهایی خلق نموده اند. زنان صنعتگر روستایی از نظر اقتصادی کمک زیادی به معاش خانواده می کنند زیرا در اکثر موارد شغل همسرشان تأمین هزینه های زندگی را نمی کند، لذا درآمد حاصل از صنایع روستایی بعضی مواقع حتی از درآمد شوهرشان هم بیشتر است.^{۲۳} این امر نشانگر این است که با توجه به عدم توانایی بخش کشاورزی در جذب نیروی کار مازاد زنان، شرکت زنان در صنایع روستایی از کارگری شدن خانوارهای کشاورزی جلوگیری می کند.

دختران روستایی از سنین بسیار پائین (۲/۵ سالگی) در صنایع روستایی، بخصوص قالی بافی، شرکت می کنند.^{۲۴} شرکت طولانی آنها در صنایع دستی باعث می گردد که از سطح مهارت بسیار بالایی برخوردار شوند. و لذا در بعضی از شاخه های صنایع روستایی در بعضی نقاط، به صورت انحصاری به فعالیت مشغول هستند و به طور طبیعی نقش قابل ملاحظه ای را ایفا می کنند. زنان روستایی در زمینه صنایع دستی کاملاً مستقل عمل می کنند، چرا که به علت خصلت این مشاغل، زنان مجبورند که مستقیماً خود با بازار ارتباط داشته باشند.

از ارزش صنایع دستی روستایی همین بس که در افزایش ارزآوری مملکت نقش تعیین کننده ای دارد. بعد از نفت، بزرگترین کالای ارزشمند ایرانی که به دنیا صادر می شود و بیشترین ارز غیر نفتی را برای مملکت به ارمغان می آورد، قالی است.^{۲۵} بنابر آمار رسمی، در سال ۱۳۷۱ حدود ۵۰ درصد صادرات غیر نفتی به صنایع دستی اختصاص داشته و مبلغی حدود ۱/۲ میلیارد دلار از ۲/۴ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی ایران از فروش صنایع دستی به دست آمده که درصد بالایی از آن به صنایع دستی روستایی تعلق داشته است.^{۲۶}

با ارزشی که اقتصاد صنایع دستی روستایی در ایران دارد، طبعاً نمی تواند از نفوذ سرمایه داری در امان بماند. رخنه سرمایه داری در بخش صنایع روستایی باعث شده است تا خود مختاری تولیدی زنان روستایی کاهش یابد. سرمایه داری بیشتر مایل است که کارگاه های بزرگ تأسیس کند و زنان و دختران را به صورت کارگر یا نیمه کارگر در آورد تا بدین وسیله هزینه های تولیدی را کاهش دهد. از این رهگذر از نیروی کار دختران کم سال سوء استفاده می کند. در واقع سرمایه داران از نیروی کار زنان بخش صنعت به طور مضاعف بهره کشی می کنند.

به علت پراکندگی واحدهای تولیدی صنایع روستایی، ارائه آمار دقیق در این زمینه کمی با مشکل روبرو است. بنابر آمار رسمی سال ۱۳۶۵ میزان ۳۴/۵ درصد نیروی کار زنان روستایی، مصروف بخش صنایع روستایی می شده است.^{۲۷} زنان شاغل در بخش صنایع روستایی دو برابر زنان شاغل در بخش صنایع شهری بوده اند (ر. ک، جدول شماره ۳).

زنان روستایی شاغل در بخش صنایع روستایی ترجیح می دهند که عمدتاً در خانه کار کنند و نه در کارگاه های عمومی خارج از منزل. یک گزارش حاکی است که حدود ۹۵ درصد زنان شاغل در صنایع روستایی در خانه های خود کار می کنند.^{۲۸} این امر باعث شده تا سرمایه داران شهری کارگاه های خود را در شهرها تعطیل کنند و سفارشات خود (به خصوص قالی) را به زنان روستایی که در خانه ها بساط و ابزار تولیدی خود را بر پا داشته اند بدهند. این روش به چند طریق به نفع سرمایه داران تمام می شود: اولاً دستمزد بالای مرسوم در شهر را نمی پردازند، ثانیاً حق بیمه و بازنشستگی و امثالهم نیز به کارگر روستایی که در منزل کار می کند پرداخت نمی کنند، ثالثاً به این کارگران دستمزد بسیار پائین می دهند و حتی به دختر بچه ها که به مادر کمک می کنند مزدی نمی پردازند، رابعاً هزینه ای برای تأسیس محل کارگاه و خرید وسایل تولیدی مصرف نمی کنند، و بالاخره از کنترل های سازمان های بهداشت محیط به دور هستند.

شغل زنان روستایی گسترده وسیعی از صنایع روستایی از قبیل قالی بافی، گلیم بافی، جاجیم بافی، صنایع دامی، صنایع غذایی و غیره را در بر می گیرد. در میان شاخه های متعدد

مشاغل، قالیبافی از کمیت و کیفیت بسیار بالائی برخوردار است. بار اصلی تولید قالی در ایران بر دوش زنان قالیباف است.

زنان روستایی در کلیه مراحل مختلف تهیه مقدمات بافت قالی، از قبیل پشم چینی، شستن پشم، حلاجی، ریسندگی، رنگ رزی، گلوله کردن نخ، چله کشی، برپا کردن دار و بالاخره بافتن خود قالی مشارکت دارند. برابر یک گزارش، ۸۰ درصد مراحل اولیه و تهیه مقدمات و ۱۰۰ درصد بافت قالی توسط زنان صورت می گیرد.^{۲۹}

از دیگر شاخه های با اهمیت صنایع روستایی که زنان مسئولیت عمده آن را بر عهده دارند، صنایع غذایی و دامی است. اکثر زنان روستایی با نگهداری دام، طیور، زنبور عسل و امثالهم، انواع فرآورده های غذایی این حیوانات را به خانه یا بازار عرضه می کنند و از این طریق به اقتصاد خانوار کمک شایانی می نمایند. مشارکت در صنایع غذایی فقط منحصر به محصولات دامی نیست، بلکه زنان در حال حاضر در بسیاری موارد، تهیه کنندگان خشکبار نیز می باشند. خشکبار تهیه شده توسط زنان روستایی بخش بزرگی از بازار داخلی و صادرات خشکبار را تشکیل می دهد که این خود ارزش افزوده اقتصادی قابل توجهی دارد.

کار صنایع روستایی برای زنان سنگین و طاقت فرساست زیرا اکثر زنان این کار را همراه با وظایف خانه داری و بچه داری انجام می دهند. برای کاهش سختی ناشی از کار، از طرف نهادهای مختلف آموزش هایی صورت می گیرد، اما با این حال هنوز مشکلاتی در میان است. یکی از مشکلات صنایع روستایی این است که سازمان صنایع دستی به تولید کنندگان تحت پوشش خود نظارت دارد، اما چون از لحاظ قانونی اجازه باز دید منازل سایر تولید کنندگان روستای را ندارد، لذا کار تعداد زیادی از تولید کنندگان صنایع روستایی از نظر تولید و کیفیت، کنترل نمی شود و همین امر برای بخش صنایع روستایی مستقر در خانه ها مشکل محسوب می شود. شاید مهمترین مشکل زنان تولید کننده صنایع روستایی (به خصوص زنان قالی و گلیم باف) ابتلا به عوارض نامطلوب جسمی نظیر کوری یا تغییر شکل استخوانها (انحراف لگن خاصره و مشکل زایمان) باشد.

در رفع مشکل بالا، جامعه باید برای زنان صنعتگر روستایی تمهیداتی بیندیشد و

تسهیلاتی فراهم آورد. در حال حاضر سازمان صنایع دستی که متولی صنایع دستی روستایی نیز می باشد، برای هر زن روستایی که متقاضی کارت شناسایی باشد، کارت صادر می کند. یکی از موارد استفاده این کارت، استفاده از وام و تسهیلات بانکی مورد نیاز صنعتگران روستایی است.^{۳۰} سازمان صنایع دستی باید این وضع را از حالت اختیاری به اجباری تغییر دهد. یعنی باید برای کلیه زنان صنعت کار روستایی به طور اجباری کارت شناسایی صادر کند تا هم آمار دقیقی از این جمعیت بدست آید و هم بتوان به عنوان یک نیروی کار رسمی با آنها برخورد کرد. آموزش و بازآموزی یکی از راه حل‌هایی است که کیفیت کار زنان صنعتگر روستایی را بالا می برد. در این زمینه مرکز آموزش روستایی جهاد سازندگی، کلاسهای مختلفی را برای زنان روستایی تأسیس کرده است که در پایان هر دوره از طرف وزارت کار از افراد امتحان به عمل می آید و در صورت موفقیت، مدرک برای آنها صادر می شود.^{۳۱} هم اکنون از طرف سازمان صنایع دستی ۴۰۰ استاد کار در مناطق روستایی به تعلیم مشغولند که از این تعداد، ۳۷۰ نفر در زمینه قالی بافی و گلیم فعالیت دارند. اکثر این استادکاران (حدود ۲۸۰ نفر) را بانوان تشکیل می دهد.^{۳۲} نکته قابل ذکر در این مورد اینست که اولاً به نسبت زنان صنعتگر که در روستاهای مملکت وجود دارند، این تعداد استادکار بسیار کم است. ثانیاً آموزش‌ها، بیشتر اختصاص به قالی بافی دارد. ثالثاً تداوم در آموزش‌ها وجود ندارد که این امر بر میزان بازدهی آموزش‌ها اثر منفی می گذارد.

یکی دیگر از تسهیلاتی که اخیراً برای زنان صنعتگر روستایی (به خصوص قالی بافان) در نظر گرفته شده است، تأسیس تعاونی‌های مختلف و از آن جمله تعاونی قالی بافان است. در واقع عضویت در تعاونی، صنایع دستی روستایی را به طور کلی و قالی بافی را به طور اخص از حالت حرفه‌های استثماری خارج می کند و تعاونی‌ها می توانند بیشتر و بهتر بر مسائل بهداشتی، حقوقی، ساعات کار، کیفیت و کمیت کار، آموزشی و تأمین اعتبارات، کنترل داشته باشند.

از بحث‌های بالا در زمینه نقش زنان در تولید صنایع روستایی چنین می توان نتیجه گرفت که کار زنان روستایی صنعتگر امری هوداست و از سطح بالایی هنری برخوردار است و

در عین حال این زنان به طور نامطلوبی استثمار می شوند. جامعه نیز آنچنان که باید به نتیجه کار اینان ارج نمی گذارد.

۵- زنان روستایی و بخش خدمات

زنان روستایی علاوه بر مشارکت در بخش کشاورزی و صنایع روستایی در بخش خدمات روستایی نیز از دیر باز فعال بوده اند. تقسیم کار بر اساس جنس در روستاها به گونه ای بوده که بیشترین وظایف خدماتی بر عهده زنان بوده است. چنین به نظر می رسد که ارزش کار خدماتی زنان در روستاها نه تنها از کار خدماتی مردان کمتر نیست، بلکه در بسیاری موارد به علتی که عاملی برای بازتولید نیروی کار می باشند، از ارزش والاتری برخوردار است. ارزش کار خدماتی زنان روستایی از کارهای کشاورزی و دامداری مردان روستایی کمتر نیست زیرا انجام کار کشاورزی و دامداری وابسته به مهیا شدن شرایط زندگی توسط زنان است. متأسفانه ماهیت بسیاری از کارهای خدماتی زنان به گونه ای است که وابستگی آنها را به مردان بیشتر می نماید.

کار خدماتی زن روستایی نیروی جسمانی بیشتری را طلب می کند تا کار خدماتی زنان شهری. در کارهای خدماتی، زنان شهری در مقایسه با زنان روستایی (چه در خانه و چه در خارج از خانه) از وسایل برقی بیشتری استفاده می کنند و این خود زحمت را کمتر می کند. زنان روستایی بین ۱۵ تا ۱۶ ساعت کار می کنند. و بالاخره کار زنان روستایی یک نواخت تر از زنان شهری است که در نتیجه توأم با خستگی بیشتر است. در مجموع استفاده از روش های ابتدایی در فراهم نمودن امور زندگی و نقش چند جانبه زنان روستایی در فعالیت ها و مسئولیت های خانوادگی، وظایف خدماتی زنان روستایی را بسیار و سنگین نموده است.

طبق آمار رسمی، در سال ۱۳۶۵، تعداد ۹ درصد زنان روستایی، در بخش خدمات روستایی مشغول به کار بوده اند (ر. ک جدول ۲). آمار رسمی، زنان خانه دار روستایی را مانند زنان خانه دار شهری جزو جمعیت غیر فعال طبقه بندی کرده است. این تقسیم بندی و در نتیجه

آمار منتج از آن صحیح نیست. زیرا در بسیاری از نقاط روستایی ایران، خانه داری شامل کارهایی می شود که فی نفسه فعالیت اقتصادی محسوب می شوند. برای مثال، وظایفی همچون تأمین سوخت، تأمین آب آشامیدنی، نگهداری از دام و پخت نان، در اصل شکل هایی از فعالیت اقتصادی هستند که زنان روستایی آنها را به عنوان جزئی از وظایف خانه داری انجام می دهند. در حالیکه این گونه فعالیت ها در شهرها در چارچوب واحدهای اقتصادی خاصی صورت می گیرد و برای استفاده از این گونه خدمات، شهریان هزینه هائی را تقبل می کنند. بسیاری از زنان روستایی ایران به صورت تمام وقت به فعالیت های نام برده در بالا مشغولند.

دامنه فعالیت های خدماتی زنان روستایی بسیار گسترده است. نگهداری از فرزندان، تهیه غذای روزانه، شستشوی لباس، تیمارداری اعضای خانوار، تهیه سوخت مورد نیاز خانوادهها، فراهم کردن مواد مورد نیاز در تهیه غذا، نگهداری دام ها در منزل و تمیز نمودن اصطبل ها و آخورها، شیردوشی و پشم چینی دامها، انبار نمودن محصولات کشاورزی، برپاداری مراسم جشن ها، اعیاد و عزاداری، مهمان داری و پذیرائی های مختلف، و صدها کار دیگر، همه و همه جزو وظایف خدماتی است که زنان روستایی به طور مستمر و روزانه به اعضای خانوار عرضه می کنند. متأسفانه تفکر عمومی و فرهنگی به گونه ای است که حتی خود زنان روستایی فکر می کنند که این امور صرفاً جزو وظایف خانه داری است و متنی برای انجام آنها نیست.

بخش عظیمی از زنان روستایی در ایران خانه دار هستند و وظیفه خانه داری زنان خود تولید درآمد می کند. منتها این درآمد پنهان است و مستقیماً پولی بابت آن پرداخت نمی شود. این درآمد به جیب خانوار می رود. مشکل اساسی در اینجا این است که خانه داری در تولید ملی به حساب نمی آید. زن خانه دار روستایی با تأمین وسایل آسایش همسر و فرزندانش (با بازتولید نیروی کار) در حقیقت به طور غیر مستقیم و یا با واسطه در تولید سهم است. وقتی کار خانگی به عنوان باز تولید نیروی انسانی به رسمیت شناخته شود و اجرت آن نیز محاسبه گردد، مسلماً در سیاستگزاری های توسعه نیز جایگاه شایسته خود را پیدا خواهد کرد.

بسیاری از کارهای خدماتی زنان روستایی مربوط به خارج از خانه می باشد. زنان روستایی در ایران به حفظ محیط زیست اطراف خود در هنگام انجام فعالیت های روزمره توجهی خاص دارند. زنان روستایی نه تنها به طور سنتی در حفظ محیط زیست می کوشند، بلکه امروزه در پروژه های مختلف بازگشت جنگل ها نقش فعالی در پرورش نهال و وجین نهالستان در مناطق روستایی کشور بر عهده دارند. در کویر زدائی، سهم زنان روستایی بسیار با اهمیت است. ^{۳۳}

کارهای خدماتی داخل و خارج از منزل برای روستایی خالی از خطر نیست، زنان روستایی در جریان وظایف خدماتی نظیر نظافت اصطبل، انتقال فضولات، تیمار دام، تغذیه دام، شیردوشی، فراهم آوردن مواد لبنی، تهیه سوخت از فضولات دامی و بسیاری فعالیت های دیگر، در معرض انواع بیماری های مشترک بین دام و انسان و عوارض نامساعد محیطی قرار می گیرند. در واقع این نیروی کار خستگی ناپذیر، هیچ گونه امنیتی در مقابل انواع خطرات ناشی از شرایط کار ندارد.

۶- نتیجه گیری

از مباحث فوق نتایج زیر را می توان گرفت:

۱- به نقش و پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی در بررسی های جامعه شناختی باید اهمیت بیشتری داد و جایگاهی خاص در تحقیقات برای آنها در نظر گرفت. اگر زنان روستایی در جامعه اهمیت دارند و دارای نقش تعیین کننده هستند، پس باید در تحقیقات به صورت مشخصی مورد پژوهش قرار گیرند.

۲- در تقسیم بندی های مربوط به نیروی فعال و غیر فعال جامعه، جایگاه واقعی زنان روستایی مشخص شود. به طور کلی زنان روستایی از لحاظ اشتغال، فعال تر از زنان شهری هستند. باید در تعاریف مربوط به اشتغال تجدید نظر گردد تا پایگاهی مناسب به زنان شاغل روستایی داده شود.

۳- سهم زنان در نیروی کار بخش کشاورزی بسیار بالاست، با این حال اهمیت کار آنها

نمود ندارد. قسمت عمده زنان شاغل در بخش کشاورزی، در چارچوب کار خانوادگی بدون مزد، مشغول انجام وظیفه هستند. به همین دلیل است که ارزش افزوده کشاورزی توسط آنها درست محاسبه نمی شود. زنان روستایی در بخش کشاورزی نیاز به حق و حقوق مشخص تر و معین تری دارند و باید به آنها در برنامه ریزی های اقتصادی - اجتماعی مملکت بهای کافی داده شود.

۴- صنایع دستی ایران عمدتاً بر دوش زنان روستایی است و مقام اول در صادرات غیر نفتی مملکت دارد. با چنین موقعیتی، کار زنان در بخش صنایع روستایی شدیداً مورد توجه بخش های تجاری مملکت است و به همین جهت زنان همواره استثمار شدید شده اند. زنان روستایی شاغل در بخش صنایع روستایی به تشکل های کارگری، صنفی و تعاونی نیاز دارند تا بتوانند از حقوق خود در مقابل دلالان و واسطه های سرمایه داری دفاع کنند و اجازه داده نشود که حاصل دسترنج آنان به جیب واسطه ها برود.

۵- همه زنان روستایی تقریباً در فعالیت های مربوط به بخش خدمات مشغول هستند. فعالیت های خدماتی زنان هم شامل وظایف خانه داری است و هم کارهای خدماتی خارج از منزل. باید در تعریف و طبقه بندی کارهای خدماتی توسط زنان تجدید نظر به عمل آید زیرا بسیاری از کارهای خدماتی جزو فعالیت های بخش خدمات است. این وظایف ناپیداترین قسمت از تلاش های زنان روستایی است که باید به رسمیت شناخته شود. از آنجا که بدون فعالیت های خدماتی زنان روستایی ادامه حیات در روستا غیر ممکن است، لذا باید جامعه برای کارهای خدماتی زنان روستایی اهمیت قائل شود و آنها را از تأمین اجتماعی برخوردار نماید. بالاخره، باید در اینجا متذکر شد که چون نقش زنان روستایی در زندگی اقتصادی روستاها و مملکت تعیین کننده است، باید کاری کرد که کیفیت کار آنها بالا رود. به همین منظور، بر مؤسسات و سازمان های مسئول مملکتی است که آموزش های مختلفی برای زنان روستایی شاغل در بخش های سه گانه اقتصادی بر پا دارند.

منابع و یادداشت ها

- ۱- اخیراً در جامعه شناسی کشاورزی هشدارهایی داده شده است که در آینده باید به نقش زنان در کشاورزی اهمیت بیشتری داده شود. برای مطالعه بیشتر مراجع شود به: لهسایی زاده، عبدالعلی. *جامعه شناسی کشاورزی*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲ صص ۲۹-۳۰.
- ۲- مشهور، حسن. «بررسی جنبه هایی از اثرات اشتغال زن بر خانواده های روستایی اطراف تهران». *نامه علوم اجتماعی* دوره دوم، شماره ۲، ۱۳۵۳.
۳. رجبی، ماهرخ. *تحولات تکنولوژی و اشتغال زنان روستایی ایران ۱۳۵۵-۱۳۴۵*. پایان نامه کارشناسی ارشد، بخش جامعه شناسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۷.
۴. بنی هاشم، فروغ. «جلوه هایی از کار و تلاش زنان روستایی در پهنه کویری بی انتها»، *جهاد روستا*، سال سیزدهم، شماره ۳۰۸، مهرماه ۱۳۷۲، صص ۱۱-۱۵.
۵. دفتر توسعه فعالیت های زنان روستایی. «آموزش زنان روستایی انتقال نوآوری به روستا زن روز»، شماره های ۱۴۳۷ و ۱۴۳۸، شنبه ۱۳ آذرماه ۱۳۷۲.
۶. شهبازی، اسماعیل. *توسعه و ترویج روستایی*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۷. بنی هاشم، فروغ. «زنان روستایی آماده آموزش، تشکل و مشارکت»، *جهاد روستا*، سال چهاردهم، شماره ۳۱۰، شهریور ۱۳۷۲، صص ۱۶-۲۱.
۸. نجاتیان، محمد حسین. «خانه داری زمینه ساز توسعه»، *زن روز*، شماره های ۱۴۳۷ و ۱۴۳۸، شنبه ۱۳ آذرماه ۱۳۷۲.
۹. مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه. «طرح پیشنهادی موانع شرکت زنان در فرآیند توسعه»، *زن روز*، شماره ۱۴۳۷ و ۱۴۳۸، شنبه ۱۳ آذرماه ۱۳۷۲.
10. Reproduction.
۱۱. مرکز آمار ایران، *سائنامه آماری کشور ۱۳۷۰*. تهران: مرکز آمار ایران، صص

. ۱-۴۸

12. Kandiyoti, Deniz. *Women in Rural Production Systems: Problems and Policies*. France: Unesco, 1985.
۱۳. مرکز آمار ایران. *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، مهرماه ۱۳۶۵، نتایج تفصیلی کل کشور. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷.
14. ILO. *International Recommendations on Labour Statistics*. Geneva: ILO, 1976, p. 290.
۱۵. مرکز آمار ایران. *ایران در آیینۀ آمار ۱۳۶۹*، شماره ۱۰، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱. ص ۶۷.
۱۶. منبع شماره ۱۳.
۱۷. منبع شماره ۵، صص ۸۸-۸۹.
18. Lahsaeizadeh, Abdolali. *Contemporary Rural Iran*. Aldershot, England: Avebury, 1993, pp. 67-72.
۱۹. لهسانی زاده، عبدالعلی. *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*. شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۶۹، صص ۷۹-۹۰.
20. Lahsaeizadeh, Abdolali. "Land Reform and Social Change in Rural Iran," *Land Reform, Land Settlement and Cooperatives*, FAO, No 1/2, 1987. pp. 22-57.
21. Lahsaeizadeh, Abdolali. "Post-Revolutionary Land Distribution in Iran." *Land Reform, Land Settlement and Cooperatives*, FAO, No. 1/2, 1988, pp. 25-38.
۲۲. منبع شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۹۶.
۲۳. جهاد روستا. «مصاحبه با یک قالی باف نمونه»، جهاد روستا، سال سیزدهم، شماره ۳۰۵، فروردین ۱۳۷۲، صص ۳۹-۴۰.

۲۴. جهاد روستا. «سهیلا هنرمند کوچک»، جهاد روستا، سال سیزدهم، شماره ۳۰۶، اردیبهشت ۱۳۷۲، ص ۳۵.
۲۵. فرهادی، مرتضی. «مشارکت های سنتی زنان الگویی برای گسترش تعاونی ها»، زن روز، شماره های ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، شنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۷۲، ص ۴۵.
۲۶. یاور، حسین. «زنان تولید کنندگان اصلی صنایع دستی»، زن روز، شماره های ۱۴۳۷ و ۱۴۳۸، شنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۷۲، ص ۸۳.
۲۷. منبع شماره ۱۳.
۲۸. منبع شماره ۲۶، ص ۸۳.
۲۹. زن روز. «جهت توسعه زندگی در روستا، پژوهشگران، نیازهای زنان روستایی را بررسی و تدوین می کنند»، زن روز، شماره های ۱۴۳۷ و ۱۴۳۸ شنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۷۲، ص ۱۱.
۳۰. منبع شماره ۲۶، ص ۸۳.
۳۱. منبع شماره ۴، ص ۱۴.
۳۲. منبع شماره ۲۶، صص ۸۰-۸۱.
۳۳. معروفی، پروین و همکاران. «زن، حافظ محیط زیست»، زن روز، شماره های ۱۴۳۷ و ۱۴۳۸، شنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۷۲، صص ۶۸-۷۳.

الفِطْرَةُ رُوحُ السَّهْلِ

روح شهادت طلبی عدالت خواهی است، علی علیه السلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی